



شناسایی موانع آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش کشاورزی (مطالعه موردی: مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میاندوآب)

لطیف محمدزاده^۱ و حسن صدیقی^۲

۱- کارشناس ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، (نویسنده مسؤول: Latif.mohammadzadeh@yahoo.com)

۲- دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۹

چکیده

تحقیق حاضر، به منظور شناسایی موانع آموزش کارآفرینی در مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میاندوآب انجام شده است. تحقیق از نوع توصیفی- همبستگی می‌باشد که به روش پیمایشی انجام شد. جامعه آماری شامل همه فراگیران مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میاندوآب شامل ۳۰۰ فراگیر که در کلاس‌های درس کارآفرینی شرکت کرده بودند، می‌باشد. از این تعداد ۱۷۸ نفر با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه و پرسشنامه که اصلی‌ترین ابزار در جمع‌آوری داده‌ها در روش پیمایشی می‌باشند، استفاده شد. در تأیید روایی پرسشنامه، از نظر اساتید دانشگاه تربیت مدرس استفاده شد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نبود تعامل میان دانشگاه و بنگاه‌های کارآفرین و عدم استفاده از مدرسان متخصص در تدریس به عنوان مهمترین موانع شناسایی شدند. ضمن اینکه نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی، نارسایی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را به عنوان مهم‌ترین عامل شناسایی کرد.

واژه‌های کلیدی: روحیه کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، موانع آموزشی، تحلیل عاملی، شهرستان میاندوآب

مقدمه

می‌آورند تا توانمندی‌های کارآفرینانه آنها تقویت شود. در واقع، این دوره‌ها فراگیران را برای رویارویی با فرصت‌ها و تعاملات اجتماعی مختلف آماده می‌سازد (۱۳،۷). در همین راستا، کارآفرینی با توجه به نقش حساس که در توسعه ایفا می‌کند به شدت مورد توجه نظام آموزشی از جمله دانشکده‌ها و مراکز آموزش کشاورزی نیز قرار گرفته است. زمانی (۲۳) معتقد است که کارآفرینی در کشاورزی با ابداع و ترویج تکنولوژی مناسب، کاهش بیکاری، بهره‌وری اثربخش، تولید و عرضه مناسب و در نهایت افزایش درآمد و کمک به اقتصاد ملی و محلی، از طریق پرورش انسان‌های خلاق و مبتکر به چرخه کشاورزی امکان‌پذیر می‌باشد. علی‌رغم اهمیتی که به آموزش کارآفرینی داده می‌شود و در چند سال اخیر به شدت مورد حمایت قرار گرفته است، این نوع آموزش نیز با موانع و چالش‌هایی روبرو است که شناخت این موانع در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و اجرای دوره‌های آموزشی ضرورت دارد (۲۲،۲۱،۷).

شناسایی موانع آموزش کارآفرینی به سیاست‌گذاران و مسئولان کمک می‌کند تصمیمات مناسبی را اتخاذ کنند. ساختار حال حاضر مراکز آموزش کشور، با هدف آموزش تخصصی شکل گرفته است و کمتر به نیازهای بازار کار و کسب و کار در جامعه توجه می‌کند. همین امر موجب شده که دانش‌آموختگان کمتر با مفاهیم کارآفرینی آشنایی داشته باشند. لاتهان (۱۵) معتقد است ایجاد شرایط نامناسب اجتماعی و آموزشی، به راحتی باعث از بین رفتن اثربخشی‌های آموزش کارآفرینان خواهد شد. صاحب‌نظران معتقدند که

توسعه جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیازمند نیروی انسانی خلاق و کارآفرین می‌باشد. کارآفرینی فرآیندی است که طی آن فرد کارآفرین مبادرت به خلق ایده‌های نو و خلاق و شناسایی ایده‌های تازه می‌کند. این فرآیند با خطر و ریسک همراه است که در نهایت منجر به عرضه محصول یا خدمتی تازه به جامعه می‌شود. کارآفرینی با عملکرد و پیامدهای خوبی که دارد، توانسته به عنوان راه‌حلی اساسی برای رهایی از مشکلات و بحران‌های اجتماعی- اقتصادی و همچنین باقی ماندن در عرصه رقابت‌های جهانی مورد توجه قرار گیرد. (۱۷،۱۰). ضرورت توجه به کارآفرینی در مراکز آموزشی و مشارکت این مراکز در توسعه اقتصاد، مقوله‌هایی هستند که در چند دهه‌ی اخیر مورد توجه بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار گرفته است.

موضوعی که در این میان بسیار با اهمیت است، نقش و جایگاه نظام آموزشی در توسعه و ترویج فرهنگ کارآفرینی می‌باشد. یکی از اهداف مهم نظام آموزشی کشور، پرورش نیروی انسانی ماهر و متخصص در راستای نیازهای جامعه است. از این رو، می‌توان گفت این امر در چند سال اخیر در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی ایران نیز شروع شده است. اما برای سازماندهی آن یک برنامه‌ریزی دقیق و منسجم ضروری می‌باشد (۱۹،۸). بل (۲) معتقد است که فراگیری که در دوره‌های آموزشی کارآفرینی شرکت می‌کنند، علاوه بر کسب شایستگی‌های تخصصی، مهارت‌های فنی نیز به دست

تحقق اهداف مورد نظر قرار دارند. با توجه به اینکه هدف از این تحقیق، مطالعه و شناخت موانع آموزش کارآفرینی در مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میاندوآب می‌باشد، امید است که حداقل بتوان بخشی از معضل پیش‌روی توسعه و ترویج فرهنگ کارآفرینی را در آموزش کشاورزی شناسایی کرد. لذا، تحقیق حاضر برای شناسایی دقیق این موانع و دستیابی به هدف کلی، اهداف اختصاصی زیر را دنبال می‌کند:

- شناسایی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان
- تعیین اولویت‌بندی عوامل بازدارنده آموزش کارآفرینی در مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میاندوآب
- تحلیل عاملی موانع آموزش کارآفرینی به منظور تلخیص متغیرها
- همبستگی بین متغیرهای تحقیق و دیدگاه پاسخگویان نسبت به موانع آموزش کارآفرینی
- پیش‌بینی میزان تأثیر جمعی متغیرهای مستقل تحقیق در متغیر وابسته

مواد و روش‌ها

روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری و دریافت اطلاعات در حوزه مطالعات میدانی و همچنین از نظر ماهیت، کمی می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه و مصاحبه حضوری که از متداول‌ترین ابزار اندازه‌گیری در تحقیق توصیفی هستند، می‌باشد. جامعه آماری شامل ۳۰۰ نفر از فراگیرانی مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میاندوآب می‌باشند که درس کارآفرینی را با ارزش سه واحد درسی گذرانده بودند. از این تعداد ۱۷۸ نفر با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه مورد نظر که با هدف تعیین مهم‌ترین موانع آموزش کارآفرینی در دانشگاه تربیت مدرس در قالب ۲۰ گویه طراحی شده است، که در آن از پاسخگویان خواسته شد تا میزان اهمیت هر یک از گویه‌ها را مشخص کنند. هر یک از گویه‌ها در قالب طیف لیکرت ۵ قسمتی از خیلی کم = ۱ تا خیلی زیاد = ۵ مورد سنجش قرار گرفت. برای سنجش اعتبار یا روایی پرسشنامه از نظر اساتید گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس کمک گرفته شد. همچنین پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ محاسبه شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام شده است.

مهم‌ترین موانعی که گریبان‌گیر آموزش کارآفرینی است، کمبود بودجه، کمبود مدرسین با مهارت فنی بالا و روش‌های ارزیابی مناسب می‌باشد (۷).

تحقیقات زیادی در خصوص شناسایی و بررسی موانع آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی انجام شده است. در همین راستا، تحقیقی به منظور شناسایی موانع آموزش کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار در دو کشور آمریکا و انگلیس انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که تفاوت‌های فرهنگی بین دو محیط دانشگاه و کسب و کار و همچنین نبود سرمایه‌گذاری کافی به عنوان مهم‌ترین موانع می‌باشند (۲۲،۵). اما کاتز (۱۲) بزرگ‌ترین مانع جهت آموزش کارآفرینی در سطح آموزش عالی را کمبود مدرسین ماهر و شایسته در زمینه کارآفرینی می‌داند. تحقیق دیگری توسط رحمانیان کوشکی (۲۰) به منظور بررسی توانمندی‌های کارآفرینانه‌ی دانشجویان مشارکت‌کننده در دوره‌های کارآفرینی مراکز آموزش علمی-کاربردی کشاورزی در استان فارس انجام شد، ایشان در پژوهش خود عمده‌ترین موانع در آموزش کارآفرینی را ارائه نشدن آموزش‌های عملی، در دسترس نبودن منابع آموزشی به میزان کافی، عدم تعامل و ارتباط بین مراکز آموزشی و جامعه و نبود حمایت‌های لازم برمی‌شمارد. امیری و مرادی (۱) در تحقیق خود ارائه شدن دروس به صورت نظری و ناهماهنگی بین بازار کار با مراکز آموزشی را از جمله موانع مهم اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی می‌دانند. در تحقیق دیگر ابن‌علی و رجبی‌نسب (۶) که در این زمینه انجام دادند، موانع آموزش کارآفرینی را نداشتن کارایی لازم نظام آموزشی در بخش کشاورزی، دیر بازده بودن سرمایه‌گذاری‌ها در کشاورزی و ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرا و متولی امر کارآفرینی برشمردند. همچنین، میرزامحمدی و همکاران (۱۶) نیز در پژوهشی که تحت عنوان موانع و راهکارهای کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین موانع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشور شامل مواردی نظیر ارائه درس‌های به صورت نظری، نهادینه نشدن فرهنگ کارآفرینی در جامعه، ناهماهنگی بین بازار کار و دانشگاه‌ها و از همه مهم‌تر ساختار نامناسب نظام آموزشی می‌باشند.

یکی از این مراکز، مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میاندوآب در استان آذربایجان غربی است، که زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی اداره می‌شود. این مرکز از سال ۱۳۷۸، یعنی همزمان با تأسیس مرکز، برای همه رشته‌ها اقدام به ارائه درس کارآفرینی با ارزش سه واحد درسی، در مقاطع کاردانی و کارشناسی نمود. لذا، آن‌چه مهم است شناسایی و رفع موانعی است که در مسیر

نتایج و بحث

ویژگی‌های شخصی پاسخگویان

درصد) دیگر در شهر زندگی می‌کنند. از این تعداد ۶۱ نفر از پاسخگویان اعلام کردند که تجربه‌ی قبلی در زمینه‌ی کارآفرینی داشتند و مابقی (۱۱۷ نفر) افراد گفتند که قبلاً هیچ تجربه‌ای در این زمینه نداشته‌اند (جدول ۱).

یافته‌های حاصل از آمار توصیفی نشان می‌دهد که ۱۱۰ نفر از افراد پاسخگو مرد و ۶۸ نفر زن هستند. همچنین، از ۱۷۸ نفر پاسخگو، بیش از نیمی از آنان (۹۰ نفر، ۵۰/۶ درصد) در روستا و ۸۸ نفر (۴۹/۴ درصد) در شهر زندگی می‌کنند.

جدول ۱- ویژگی‌های شخصی پاسخگویان (n=۱۷۸)

متغیر	سطح متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۱۰	۶۱/۸
	زن	۶۸	۳۸/۲
	کل	۱۷۸	۱۰۰
محل زندگی	شهر	۸۸	۴۹/۴
	روستا	۹۰	۵۰/۶
	کل	۱۷۸	۱۰۰
تجربه‌ی قبلی در زمینه‌ی کارآفرینی	بلی	۶۱	۳۴/۳
	خیر	۱۱۷	۶۵/۷
	کل	۱۷۸	۱۰۰
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۱۰۷	۶۰/۱
	کاردانی	۷۱	۳۹/۹
	کل	۱۷۸	۱۰۰

عوامل بازدارنده آموزش کارآفرینی در مرکز آموزش کشاورزی

گویه‌های عدم تناسب بین محتوای دوره‌های کارآفرینی با نیازهای واقعی بازار کار، عدم تناسب روش‌های آموزشی مورد استفاده با علایق و قابلیت‌های دانشجویان و وجود بروکراسی (دیوان‌سالاری) در ساختار مرکز به ترتیب به عنوان کم اهمیت‌ترین موانع آموزش کارآفرینی در آموزش‌های کشاورزی شناسایی شدند.

با توجه به یافته‌های حاصل از جدول ۲، مهم‌ترین موانع برای آموزش کارآفرینی در آموزش‌های کشاورزی از دیدگاه پاسخگویان، عدم ارتباط نزدیک میان دانشگاه و بنگاه‌های کارآفرین می‌باشد. این در حالی است که

جدول ۲- اولویت‌بندی موانع آموزش کارآفرینی در مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میاندوآب

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۳۲۰۴	۱/۰۹۶	۳/۴۲	عدم ارتباط نزدیک میان دانشگاه و بنگاه‌های کارآفرین
۲	۰/۳۲۲۲	۱/۲۵۴	۳/۴۸	عدم استقبال از کارآفرینان موفق جهت تدریس برخی مهارت‌های کارآفرینانه
۳	۰/۳۲۵۴	۱/۱۰۰	۳/۳۸	ارزش قائل نشدن جامعه برای کارآفرینان
۴	۰/۳۲۹۳	۱/۱۰۰	۳/۳۴	عدم استفاده از تجارب آموزشگران متخصص در زمینه‌ی کارآفرینی
۵	۰/۳۳۱۲	۱/۱۳۳	۳/۴۲	فقدان طرح درس مناسب و عدم پیوستگی در ارائه‌ی مطالب
۶	۰/۳۳۲۵	۱/۱۴۴	۳/۴۴	عدم آشنایی با قوانین مالی و مدیریتی رایج در مدیریت کسب و کار
۷	۰/۳۳۲۷	۱/۱۳۸	۳/۴۲	نبود نشریات علمی ترویجی در زمینه‌های کارآفرینی در بخش کشاورزی
۸	۰/۳۴۵۰	۱/۲۵۵	۳/۲۶	عدم حمایت از کارآفرینی از منظر کادر ارشد مرکز
۹	۰/۳۴۵۸	۱/۱۶۹	۳/۳۸	کافی نبودن تجهیزات و مواد آموزشی مورد نیاز برای تدریس درس کارآفرینی
۱۰	۰/۳۴۶۵	۱/۱۶۳	۳/۳۷	کمبود راهنمایی و مشاوره به دانشجویان در محیط مرکز
۱۱	۰/۳۴۷۸	۱/۲۱۰	۳/۲۲	استفاده از روش‌های سنتی آموزش درس کارآفرینی
۱۲	۰/۳۵۱۹	۱/۱۷۲	۳/۳۳	کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های تحصیلی
۱۳	۰/۳۵۹۱	۱/۲۵۰	۳/۴۸	عدم حمایت دولت از دانش‌آموختگان رشته‌ی کشاورزی
۱۴	۰/۳۶۳۳	۱/۲۲۸	۳/۴۰	ارزش قائل نشدن مرکز به ایده‌های نو و خلاق
۱۵	۰/۳۶۳۶	۱/۱۸۲	۳/۲۵	کافی نبودن تعداد واحدهای درسی کارآفرینی
۱۶	۰/۳۶۴۶	۱/۱۳۴	۳/۱۱	عدم ارزیابی از دوره‌های آموزش کارآفرینی
۱۷	۰/۳۷۰۵	۱/۲۱۹	۳/۲۹	عدم توجه به یادگیری مهارت‌های عملی
۱۸	۰/۳۷۲۶	۱/۲۱۱	۳/۲۵	وجود بروکراسی (دیوان‌سالاری) در ساختار مرکز
۱۹	۰/۳۷۴۸	۱/۲۶۷	۳/۳۸	عدم تناسب روش‌های آموزشی مورد استفاده با علایق و قابلیت‌های دانشجویان
۲۰	۰/۴۰۷۱	۱/۱۹۷	۲/۹۴	عدم تناسب بین محتوای دوره‌های کارآفرینی با نیازهای واقعی بازار کار

تحلیل عاملی موانع آموزش کارآفرینی

در پژوهش حاضر، برای بررسی اینکه آیا می‌توان داده‌ها را به چند عامل تقلیل داد یا نه و همچنین برای تبیین همبستگی بین متغیرها، از آزمون KMO^1 و آزمون بارتلت^۲ استفاده شد. طبق

یافته‌های بدست آمده از جدول ۳ مقدار KMO در این تحلیل ۰/۸۳۳ و مقدار بارتلت ۹۲۱/۲۸۹ محاسبه شد. سطح معنی‌داری ۹۹ درصد می‌باشد که حاکی از مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی است.

جدول ۳- مقدار KMO ، ضریب بارتلت و سطح معنی‌داری

KMO	بارتلت	سطح معنی‌داری
۰/۸۳۳	۹۲۱/۲۸۹	۰/۰۰۰

در این قسمت از پژوهش حاضر، برای بالا بردن تفسیر عامل‌ها از روش چرخش واریماکس استفاده شد. همچنین به منظور تعیین تعداد عامل‌ها از معیار مقدار ویژه استفاده گردید. قابل ذکر است که عامل‌های لحاظ شده دارای مقدار ویژه بزرگ‌تر از یک هستند. بر این اساس در مجموع پنج عامل استخراج گردید که این عوامل ۵۳/۸۳ درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین

کردند. بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۴، عامل اول با مقدار ویژه ۵/۶۰۱ به تنهایی تبیین‌کننده ۲۸/۰۰۴ درصد واریانس کل می‌باشد. در ضمن پس از چرخش واریماکس ۱۵ متغیر به دلیل پایین بودن بار عاملی، هم‌پوشانی سطح متغیرها توسط متغیرهای دیگر و در نتیجه معنی‌دار نبودن همبستگی این متغیرها با متغیرهای دیگر، از تحلیل حذف شدند.

جدول ۴- عوامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه و درصد تجمعی واریانس تبیین شده

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد تجمعی واریانس تبیین شده
۱ (نارسایی‌های سیاست‌گذاری)	۵/۶۰۱	۲۸/۰۰۴	۲۸/۰۰
۲ (ضعف‌های مالی و ...)	۱/۶۰۷	۸/۰۳۵	۳۶/۰۳
۳ (ضعف ارائه خدمات)	۱/۳۴۶	۶/۷۳۱	۴۲/۷۷
۴	۱/۱۷۸	۵/۸۹۱	۴۸/۶۶
۵	۱/۰۳۴	۵/۱۷۰	۵۳/۸۳

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول ۵، هر یک از عامل‌ها باتوجه به ماهیت موجود متغیرهای موجود و همچنین مهم‌ترین متغیر موجود در هر عامل، نام‌گذاری شدند.

همان‌طور که از جدول ۵ برمی‌آید مهم‌ترین عامل در بین پنج عوامل موجود، تبیین‌کننده بیش از ۲۸ درصد کل واریانس می‌باشد. این عامل با توجه به ماهیت متغیرهای موجود به نام نارسایی‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نام‌گذاری شد. عامل مذکور در برگزیده متغیرهایی از قبیل فقدان طرح درس مناسب و عدم پیوستگی در ارائه‌ی مطالب، نبود نشریات علمی، ترویجی در زمینه‌های کارآفرینی در بخش کشاورزی،

استفاده از روش‌های سنتی آموزش درس کارآفرینی، عدم تناسب روش‌های آموزشی مورد استفاده با علایق و قابلیت‌های دانشجویان، عدم تناسب بین محتوای دوره‌های کارآفرینی با نیازهای واقعی بازار کار و عدم آشنایی با قوانین مالی و مدیریتی رایج در مدیریت کسب و کار می‌باشد. در صورتی که پنجمین و آخرین عامل که تنها تبیین‌کننده ۵/۱۷ درصد از کل واریانس تحلیل عاملی می‌باشد، نارسایی‌های فرهنگی و اجتماعی نام‌گذاری شده است. این عامل شامل ارزش قائل نشدن جامعه برای کارآفرینان، ارزش قائل نشدن مرکز به ایده‌های نو و خلاق و عدم ارتباط نزدیک میان دانشگاه و بنگاه‌های کارآفرین می‌باشد.

جدول ۵- گویه‌های مربوط به هریک از عوامل و میزان بارعاملی از ماتریس دوران یافته

عامل‌ها	گویه‌ها	بار عاملی
نارسایی‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	فقدان طرح درس مناسب و عدم پیوستگی در ارائه مطالب	۰/۷۸۴
	نبود نشریات علمی ترویجی در زمینه‌های کارآفرینی در بخش کشاورزی	۰/۶۱۹
	عدم آشنایی با قوانین مالی و مدیریتی رایج در مدیریت کسب و کار	۰/۵۹۸
	عدم تناسب روش‌های آموزشی مورد استفاده با علایق و قابلیت‌های دانشجویان	۰/۵۸۴
	عدم تناسب بین محتوای دوره‌های کارآفرینی با نیازهای واقعی بازار کار	۰/۵۱۳
ضعف‌های مالی و پشتیبانی	استفاده از روش‌های سنتی آموزش درس کارآفرینی	۰/۳۳۲
	عدم استفاده از تجارب آموزشگران متخصص در زمینه کارآفرینی	۰/۷۲۲
	عدم حمایت از کارآفرینی از منظر کادر ارشد مرکز	۰/۶۱۰
	کافی نبودن تجهیزات و مواد آموزشی مورد نیاز برای تدریس درس کارآفرینی	۰/۵۷۹
	عدم استقبال از کارآفرینان موفق جهت تدریس برخی مهارت‌های کارآفرینانه	۰/۴۴۹
ضعف ارائه خدمات	کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های تحصیلی	۰/۴۹۹
	کمبود راهنمایی و مشاوره به دانشجویان در محیط مرکز	۰/۷۲۶
	عدم حمایت دولت از دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی	۰/۶۶۶
	عدم توجه به یادگیری مهارت‌های عملی	۰/۵۸۰
	کافی نبودن تعداد واحدهای درسی کارآفرینی	۰/۷۶۰
نارسایی‌های فرهنگی و اجتماعی	عدم ارزیابی از دوره‌های آموزش کارآفرینی	۰/۶۴۲
	وجود بروکراسی (دیوان سالاری) در ساختار مرکز	۰/۴۴۲
	ارزش قائل نشدن مرکز به ایده‌های نو و خلاق	۰/۷۲۷
	عدم ارتباط نزدیک میان دانشگاه و بنگاه‌های کارآفرین	۰/۶۶۸
	ارزش قائل نشدن جامعه برای کارآفرینان	۰/۵۶۵

وجود دارد ($r = -0/248$, $sig = 0/001$). همچنین از نتایج به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای جنسیت، محل زندگی و تجربه قبلی آموزش کارآفرینی با دیدگاه پاسخگویان در زمینه موانع آموزش کارآفرینی هیچ رابطه مثبت و معنی‌داری وجود ندارد. لذا، دیدگاه پاسخگویان در این مورد تابع مقطع تحصیلی می‌باشد که در آن مشغول به تحصیل هستند.

همبستگی بین متغیرهای تحقیق و دیدگاه پاسخگویان نسبت به موانع آموزش کارآفرینی

در تحقیق حاضر، به منظور تعیین میزان همبستگی متغیرهای تحقیق و دیدگاه پاسخگویان، برای همه متغیرهای مورد استفاده از ضریب همبستگی پیرسون^۱ استفاده شد. نتایج به دست آمده در جدول ۶ نشان داده شده است. طبق این نتایج، بین متغیر مقطع تحصیلی و دیدگاه پاسخگویان همبستگی مثبت و معنی‌داری

جدول ۶- همبستگی بین متغیرهای تحقیق و دیدگاه پاسخگویان نسبت به موانع آموزش کارآفرینی ($n = 178$)

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی [†] r	Sig.
جنسیت	۱۷۸	۰/۱۳۰	۰/۰۸۳
مقطع تحصیلی	۱۷۸	-۰/۲۴۸**	۰/۰۰۱
محل زندگی	۱۷۸	-۰/۰۳۶	۰/۶۳۶
تجربه قبلی آموزش کارآفرینی	۱۷۷	۰/۱۰۰	۰/۱۸۵

†: برای تعیین همبستگی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. **: ($P \leq 0/001$)

تحلیل رگرسیون چندگانه

به منظور پیش‌بینی میزان تأثیر جمعی متغیرهای مستقل تحقیق (جنسیت، محل زندگی، مقطع تحصیلی، تجربه قبلی در زمینه آموزش کارآفرینی) بر دیدگاه پاسخگویان، روش رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج حاصل از این قسمت در قالب جدول ۷ آورده شده است. این نتایج نشان می‌دهد که در مجموع ۱۱/۵ درصد از تغییرات مربوط به دیدگاه پاسخگویان تحت تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق (جنسیت، محل زندگی، مقطع تحصیلی، تجربه قبلی در زمینه آموزش کارآفرینی) می‌باشد ($R^2 = 0/115$, $R^2_{adj} = 0/095$). نتایج حاصل از جدول ۷ نشانگر این است که تنها بین

متغیر مقطع تحصیلی با دیدگاه پاسخگویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($F = 5/636$, $sig = 0/001$). بنابراین معادله‌ی خطی رگرسیون به قرار رابطه (۱) می‌باشد:

$$Y = \text{Constant} + b_1(x_1) + b_2(x_2) + b_3(x_3) + b_4(x_4) \\ Y = 65/451 + 5/002(x_1) + (-7/848)(x_2) + (1) \\ (-0/260)(x_3) + 3/366(x_4)$$

در رابطه (۱)، X_1 جنسیت و X_2 مقطع تحصیلی X_3 محل زندگی X_4 تجربه قبلی پاسخگویان می‌باشد. با توجه به جدول ۷ و بر اساس بتا (Beta) سهم و نقش مقطع تحصیلی در تبیین دیدگاه پاسخگویان بیش‌تر از متغیرهای دیگر می‌باشد. زیرا به ازای یک واحد تغییر

1- Pearson correlation coefficient

تغییر در انحراف معیار، به اندازه ۳/۳۶۶ در انحراف معیار متغیر وابسته تغییر به همراه دارد. هم‌چنین، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار محل زندگی، به اندازه ۰/۲۶۰- در انحراف معیار متغیر وابسته‌ی دیدگاه پاسخگویان، تغییر ایجاد می‌شود.

در انحراف معیار مقطع تحصیلی، به اندازه ۷/۸۴۸- در انحراف معیار متغیر وابسته‌ی دیدگاه پاسخگویان تغییر ایجاد می‌گردد. در صورتی که به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار جنسیت پاسخگویان، به اندازه ۵/۰۰۲ در انحراف معیار متغیر وابسته تغییر ایجاد می‌شود. متغیر سوم تجربه قبلی می‌باشد که به ازای یک واحد

جدول ۷- رگرسیون چندگانه مربوط به عوامل فردی مؤثر بر دیدگاه پاسخگویان

متغیرهای مستقل	B	Beta	T	Sig
مقدار ثابت	۶۵/۴۵۱	-	۱۳/۰۴۶	۰/۰۰۰
جنسیت	۵/۰۰۲	۰/۱۲۸	۱/۷۸۰	۰/۰۰۹
مقطع تحصیلی	-۷/۸۴۸	-۰/۳۰۹	-۴/۱۵۵	۰/۰۰۰
محل زندگی	-۰/۲۶۰	-۰/۰۱۰	-۰/۱۴۶	۰/۸۸۴
تجربه قبلی	۳/۳۶۶	۰/۱۲۸	۱/۷۸۰	۰/۰۷۷

R = ۰/۳۴۰ R² = ۰/۱۱۵ R² adj = ۰/۰۹۵ F = ۵/۶۳۶ Sig = ۰/۰۰۱

را مورد تأیید قرار می‌دهد. اما نتایج تحقیقات تحقیق حسینی و همکاران (۹) با نتایج این پژوهش همسو نمی‌باشد. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود مسئولان و برنامه‌ریزان برای تحقق اهداف آموزش مورد نظر در زمینه کارآفرینی، نیازسنجی‌های آموزشی با توجه به نیاز جامعه، مقاطع آموزشی و رشته‌های تحصیلی، سازماندهی محتوا و تعیین شاخص‌ها و استانداردها را بیشتر مورد توجه قرار بدهند.

نتایج هم‌چنین نشان داد که تنها بین متغیر مقطع تحصیلی و دیدگاه پاسخگویان همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های به دست آمده از پژوهش خسروی‌پور و همکاران (۱۳) با نتایج این پژوهش همسو می‌باشد. نتایج به دست آمده از جدول ۷ مؤید این امر است که تنها ۱۱/۵ درصد از تغییرات مربوط به دیدگاه پاسخگویان تحت تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق می‌باشد. در واقع، این نتایج نشانگر آن است که تنها بین متغیر مقطع تحصیلی با دیدگاه پاسخگویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های محققان (۱۸، ۱۱، ۸، ۷، ۴) مطابقت دارد. اما یافته‌های حاصل از تحقیقات امیری و مرادی (۱) و کاتز (۱۲) این یافته‌ها را مورد تأیید قرار نمی‌دهند. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر به بررسی و شناسایی موانع آموزش کارآفرینی در مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میاندوآب در قالب به پرسشنامه شامل ۲۰ گویه پرداخته است. لذا، تنها تعداد محدودی از ابعاد و مشکلات را مورد پوشش قرار داده است. هم‌چنین، قابل ذکر است که پژوهش حاضر از نظر جامعه آماری محدود به دانشجویان مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میاندوآب می‌باشد، در نتیجه نتایج این تحقیق به سادگی قابل تعمیم نیستند. در همین راستا، شناخت و بررسی سایر ابعاد و مؤلفه‌های دیگر در انجام تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود.

نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان داد که مهم‌ترین موانع برای آموزش کارآفرینی در آموزش‌های کشاورزی از دیدگاه پاسخگویان، عدم ارتباط نزدیک میان دانشگاه و بنگاه‌های کارآفرین می‌باشد. در واقع، اگر ارتباط دانشگاه و صنعت به درستی صورت نگیرد، نمی‌توان انتظار پیشرفت و توسعه‌ی جدی کشور را داشت. محققان (۱۶، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۳) یافته‌های این تحقیق را مورد تأیید قرار می‌دهند. اما نتایج این پژوهش با نتایج مشاهده شده از تحقیق رحمانیان کوشکی (۲۰) که به منظور بررسی توانمندی‌های کارآفرینانه‌ی دانشجویان مشارکت‌کننده در دوره‌های کارآفرینی مراکز آموزش علمی-کاربردی کشاورزی در استان فارس انجام داده است، هم‌خوانی ندارد. لذا، پیشنهاد می‌شود در جهت ترویج و اشاعه فرهنگ کارآفرینی از طریق رسانه‌های جمعی اقدامات لازم انجام شود.

به منظور خلاصه و دسته‌بندی کردن داده‌ها از تحلیل عاملی استفاده شد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که می‌توان موانع آموزش کارآفرینی را در پنج عامل نارسایی‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، ضعف‌های مالی و پشتیبانی، ضعف ارائه خدمات، ضعف ساختار آموزشی و نارسایی‌های فرهنگی و اجتماعی خلاصه نمود. هم‌چنین، نتایج این تحقیق نشانگر این موضوع است که مهم‌ترین عامل در بین پنج عوامل موجود، که تبیین‌کننده بیش از ۲۸ درصد کل واریانس است، نارسایی‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌باشد. بنابراین، شناسایی موانع آموزشی، به حل مشکلات متعدد مدرسان و برنامه‌ریزان در تدوین سیاست‌های توسعه‌ی کارآفرینی کمک خواهد کرد که در نتیجه این امر ارتقاء شغل و کسب و کار اتخاذ شده توسط افراد را در پی خواهد داشت. نتایج به دست آمده از پژوهش رحمانیان کوشکی (۲۰) یافته‌های این بخش از تحقیق

منابع

1. Amiri, A. and Y. Moradi. 2007. Entrepreneurial attitudes and barriers that students. Journal of Research and Planning in Higher Education, 3: 45 pp. (In Persian)
2. Bell, P. 2008. The new entrepreneurship. Vital speeches of the Day, 67: 572-575.
3. Borkowski, N. and J. Gordon. 2006. Entrepreneurial organizations: the driving force for improving quality in health care industry. Journal of Health and Human Service Administration, 28: 49-531.
4. Carvalho, L., T. Costa, P. Dominginhos and R. Pereira. 2008. Entrepreneurship, methodologies in higher education an experience in a portuguese business school. MPRA, December 2008, 12 pp.
5. Decter, M., D. Bennett and M. Leseure. 2007. University to business technology transfer_ UK and USA comparisons, 1: 55-145.
6. Ebneahi, L. and A. Rajabi. 2006. Barriers to entrepreneurship academic development (agriculture). National Conference on Higher Education and Entrepreneurship, Semnan, Iran. (In Persian)
7. Gibb, A. 2002. Creating Conductive Environments for Learning and Entrepreneurship. Industry and Higher Education, 16: 135 pp.
8. Gurel, E., L. Alting and R. Daniele. 2010. Tourism students entrepreneurial intentions. Annals of Tourism Research, 37: 69-646.
9. Hosseini, M., J. Farajollahoseni and M. Solimanpour. 2010. Identify and analyze the barriers to entrepreneurship in agricultural education from the perspective of graduate students in Tehran. Journal of Agricultural Economics and Development Research, 4: 359-368. (In Persian)
10. Howard, S. 2004. Developing Entrepreneurial Potential in Youth: The Effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation. University of South Florida Report, pp: 3-17.
11. Hytti, U. and C. Gorman. 2004. What is enterprise education? An analysis of the objectives and methods of enterprise education program in four European countries. Journal of Education and Training, 46: 11 pp.
12. Katz, J.A. 2003. The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education 1876-1999. Journal of Business Venturing, 18: 283-300.
13. Khosravipoor, B., H. Irvani, M. Hosseini and H. Movahed Mohammadi. 2007. Identification and analysis of training components of agricultural applied higher education center student's entrepreneurship capabilities. Iranian Journal of Agricultural Sciences, 38: 207-217.
14. Krejcie, R.V. and D.W. Morgan. 1970. Determining sample size for research activities. Educational and Psychological Measurement, 30: 607-610.
15. Luthans, F., A.D. Stajkovic and E. Ibayeva. 2000. Environmental and psychological challenges facing entrepreneurial development in transitional economies. Journal of World Business, 35: 95-110.
16. Mirzamohammadi, M., V. Pourtahmasebi and A. Tajor. 2007. Barriers and strategies in entrepreneurship, higher education in Iran. Journal of karojamehe, 5: 34 pp. (In Persian)
17. Moghimi, M. 2002. Entrepreneurship, Assessment and Research. Center of Educational Measurement, 7 pp (In Persian).
18. Pittaway, L. and J. Cope. 2007. Simulating entrepreneurial learning: Integrating experiential and collaborative approaches to learning. Management Learning, 38: 211-233. (In Persian)
19. Rahimi, H. 2002. Organization of entrepreneurship education in universities. Institute for Research and Planning in Higher Education, 50 pp. (In Persian)
20. Rahmanian koushkaki, M. 2011. Investigating Entrepreneurial Capabilities of the Students Participating in the Entrepreneurship Courses at the Applied-Scientific Educational Centers in Fars Province. MS. Dissertation. Tarbiat Modares University, Iran, 130 pp. (In Persian)
21. Razavi, M., N. Fallahhaghighi, A. Rezvanfar and Kh. kalantari. 2010. Analysis of barriers to entrepreneurship in Iranian agricultural colleges (Student perspective). Journal of Public Administration, 6: 59-78. (In Persian)
22. Sookhtanlo, M., A. Rezvanfar and S.M. Hashemi. 2009. Psychological Capabilities Affecting Agricultural Students Entrepreneurship Level: A Comparative Study. Research Journal of Agriculture and Biological Sciences, 5: 175-184.
23. Zamani, H. 2007. Development of Entrepreneurs in Agriculture, National Conference on Entrepreneurship Development in The application of scientific training, Tehran, pp: 76-83. (In Persian)

Identifying the Entrepreneurship Education Barriers in the Agricultural Educational Center

Latif Mohammadzadeh¹ and Hassan Sadighi²

1- M.Sc., Tarbiat Modares University (Corresponding author: latifm68@gmail.com)

2- Associate Professor, Tarbiat Modares University

Received: December 17, 2013

Accepted: January 29, 2014

Abstract

The aim of present study is identifying the entrepreneurship educational barriers in miandoab agricultural educational center. This is a descriptive-correlation and survey study. Statistical population of the study include, all students in miandoab agricultural education center who participate in entrepreneurship courses. A simple random sample of 186 students was selected using the Krejcie and Morgan table. In order to gathering data, interview and questionnaire were utilized as the main tools of data gathering a survey study. The validity of questionnaires were confirmed with corrective feedback from professors of Tarbiat Modares university. According to the results of this study, lack of interaction between university and entrepreneurial firms and avoidance of using skillful teachers are the main educational barriers. Also, based on the results of factor analysis weakness of policy and planning are the main barriers.

Keywords: Entrepreneurial spirit, Entrepreneurial education, Educational barriers, Factor analysis, Miandoab